

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومیة (جلالتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آشیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزها
طبع و توزیع میشود

یومیة

کَمَلَاتِ

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روبه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان سطرى
دو قران است

(روزنامه یومیة منی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است و مطلقا مسترد نمی شود)

شنبه ۲۲ محرم الحرام ۱۳۲۶ هجری قمری و ۱۱ اسفند ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۵ فوریه ۱۹۰۸ میلادی

(وطن در چه حالت است)

راجع به نمره ۲۳۱

اگر از روی تأمل و تدقیق بتاریخ امم بنگریم و ببینیم
تحقیق در ادوار ملل سائره نظر کنیم خواهیم یافت که باندگی
مشقت و قلبی زحمت بی آنکه در اخذ حقوق مشروع خود
خونهارینخته و جانها نثار کنیم و از آشوب و غوغا علیبرابو حشت
و انقلاب اندازیم لطف الهی و مقتضیات طبیعت بهترین موقعی را
در کنشار مانهاد و آنچه مایه نیک بختی يك دولت و ملتی
بتوانگفت که ملل دیگر در بدست آوردن آن اساس نیک بختی
چه جانها نثار کرده اند ما را بی خون جگر حاصل آمد
ولی از ندانستن قدر و قیمت و بیجا نیارودن شرکان بزرگ
نعمت سخت ترین دوره را مقابل خود آورده ایم و آنچه
ترباق درد دیگران شده از سوء استعمال ارکان مملکت بواسطه
غرض و جهالة نزدیک است در مزاج ما سم مهلك شود
اینک در مقامی هستیم که اگر اندکی غفلة کنیم و
بایحال بمانیم بالمره در درکات نسنی محو و فانی شویم اگر چه
از سابقه لطف ازل نو مید نتوان شد ولی بر حسب ظاهر
هیچ آثار بهبودی و علائم صحت در چهره این مریض ایران
نام نمی بینیم تمام دلخوشیمان با کراست که اگر چنین شود البته
چنان خواهد شد اگر از دایره ضیقہ شخصی قدمی فراتر
گذاریم و بضای وسیع نوعیه پانهم و خدمت بدولت و ملت را
وجه خود کنیم و صیانت دین حنیف و وطن مقدس را فریضه
ذمت خود دانیم در اندک مدتی خنک سعادت از کنبه
کردون بجهتیم و علم اقتدار بر فرق فرقدان زین اما وقتیکه
نه طیب دلسوز داشته باشیم و نه پرستار باوقوف و مرض
لحظه بلحظه رو بشت و بینه ساعت بساعت مایل انحطاط و
تحلیل جگونه امید شفا توانیم داشت زیرا که عالم عالم اسباب است

و شفا در صورت داشتن طیب و پرستار و تشخیص درد بیمار
و استعمال ادویه نافع است که ما بکلی از اینها محرومیم
عیب اینجاست که درد بیدرمان مایکی دوتا نیست امراض
مهلكی که هر يك از برای فانی يك ملتی کافیت در ما
جمع است از بیعلمی و غفلة و تفاق و عداوت و فساد اخلاق
و جن و مرعوبیت و ملا حظات شخصی و فقر و فلاکت
و غیره انی ماشائله هر کدام را که نگاه می کنیم میگوئیم سر
آمد همه عیبهات مثلادر این وقت تنک و موقع خطرناک
هر کدام منتظر اقدامات دیگری هستیم و کنهرا بکردن این
وان می اندازیم حصول سعادت و ترقی را از برکت همراهی
شخص زید تنهای دانیم و علة تنزل و خرابی را تخصیص بوجود
واحد عمرو میدهم گاهی مفتاح سعادت ملتا در کف با
کفایت و کلا فقط میدانیم میگوئیم همراهی دیگران چندان
اهمیتی ندارد زمانی آبادی مملکت و ترقی دولت را مختص همه
وزرا میشماریم زمانی کلید کشایش را در قبضه اقتدار
شخص اعلیحضرت میدانیم و از عدم التفاتش بجانب ملک
و ملت زحمت دیگران را بی فایده میدانیم میگوئیم اگر
شخص اعلیحضرت از روی حقیقت با مایه همراه شود و
بمدل و داد رفتار کند فی الفور کارها سر و صورتی یافته
و در جاده ترقی میساقیم زمانی اتفاق و همراهی انجمنها را
حافظ حقوق ملی خود میدانیم غافل از آنکه اصناف مایه
و طبقات امة بطور عموم در خط ترقی شریکند که باید
هر کدام بوظیفه خود قیام نمایند و اقدام هر طبقه بدون
طبقه دیگر حاصلی نبخشد اگر و کلا تمام متحد شوند در
ترقی مملکت بیهمراهی و زرا کاری صورت ندهند و اگر
هر دو متفق با عدم اتفاق شخص اعلیحضرت نتیجه متصوره
را نخواهند یافت و در صورت اتفاق هر سه همراهی ملتا

يك مملکتی را بدو می سپاریم و ناموس يك ملتى را برعهده
محافظة او و امیکنداریم و از کرک طمع جویان می کنیم و از برای خود
اسباب درد سر فراهم می نماییم هیچ فکر نمی کنیم که
لفظ مشروطیة نه اکثر است نه اسم اعظم تغییر ذات نمی
دهد قلب ما هیت نمیکند

(زدونان امید بهی داشتن)

(بود خاک در دیده انباشتن)

کسیکه در عرض بیخاه سال ظلم و خیانت از برایش طبیعه
ثانوی شده در یکی دو سال تغییر حالت میدهد بلکه هرگز
قادر بر خلاف عادت و طبیعه نمیشود زنی بشتن هرگز
سفید نخواهد شد با این سیر معکوس و این توافل و این
تفاق چگونه میتوان امید ترقی داشت بی ترقیات از برای
ملتى دست می دهد که از دل و جان طالب ترقی باشند و مقتضیات
زمارا ملاحظه کرده و آنچه که باعث حفظ حقوق ملی
و استقلال وطن است بدست آورند غرض و ملاحظات را
کنار گذاشته تخم غرض و تفاق را در مزرعه دلها
نپاشند و الا بیداری ملة و مشروطیة دولت و تشکیل
پارلمان و تقالید ظامری و اسم بلا رسم حفظ مملکتة نتواند
نمود مشروطیة وقتی فایده خواهد بخشید که اصولش جاری
و قوانینش وضع و اجری شود و کبل و وزیر تمام بفکر
حفظ آب و خاک خود باشند و قوانین را پیش گذاشته و
بر طبقش رفتار کنند ملة فرانسه پس از آنکه بفکر ترقی
افتادند در عرض سه ماه قریب ده هزار قانون وضع کرده
و بموقع اجرا نهادند اول چیز را که از برای حفظ
حقوق ملة و دفع دشمنان اجنبی خود تهیه کردند آفتون
ملى بود که بجان و دل اقدام کرده و بزودی به تشکیل
موفق شدند و در سایه آن سعادت قومی را جلب کرده
و قوانین مملکترا اجرا نمودند و بحرف قناعت نکردند
و از مانعیت این و آن ساکت نشستند نه چون امنای
ایران که همه روز فریاد رعایا و قتل و غارت مسلمانانرا
از جمیع بلاد خاصه آستارا و طوالش و آذربایجان و غیره
شنیده و هیچ بفکر آسایش بیچارگان نیفتند و رحمی بحالته
آنان نکندند و دشمنان دولت و ملة این آشوب و انقلاباترا
بمجلس مقدس و مشروطیة مملکتة نسبة دهند و امر را
بر بیچاره عوام مشتبه کنند و ابدا بفکر جلو گیری نباشند
و گمان کنند مددی از عالم غیب بکمک آنان خواهد رسید
وقتی هم که در صدد رفع خرابی بر آمدند بهمان حرف
یکروزه قناعت کنند و هیچ مانعی را دفع نکرده و کاربرا
اصلاح نکنند اگر ما ملة بفکر نگهداری وطن بودیم
و مقتضیات وقترا ملاحظه می کردیم تا بحال بانک ملی را
که روح مملکتة است دایر می کردیم و نظام ملیرا که
حفظ سلطنة و ملیة و قومیت و جلو گیری از تجاوزات

لازم دارند و با اتفاق عموم باعدم اسباب ارتقا دست ندهد
علم و عمل و داشتن دانایان کامل لازم است ملة ترقی خواه
ازعالی و فانی باید مشغول کار کردن باشند تاجر باید در
تجارتش بکوشد صاحب کارخانه در گردش کارخانه اش
صنعت کر در رواج صنعت خود تمام باید بپردازد یکدیگر اسباب
ترقی و سعادت خود را فراهم کنند و هر گاه از وظیفه
خود کوتاهی کنند یا قومی دون قومی بشغل خود اقدام
نمایند مدارج عزت و ارتقا را نتوانند پیمود در کار خانه
ترقی تمام چرخها و آلات باید در جای خود مشغول بحركة
باشد اگر یکی از آنها عیب کند یا بشکند باقی دیگر از
حرکت خواهند افتاد خصوص اگر آن آله و چرخ بالنسبه
بسیار آلات معظم تر و با اهمیت باشد که فوری کارخانه
خواهیید و گردشش محال خواهد بود دستکاه مملکت بچرخ
دولت و ملة می گردد که هر دو باید بپردازد یکدیگر
براه افتند و الا ابادی و ترقی در آن کشور محال خواهد
بود ملة کسب ترقی نتواند نمود مگر در سایه دولة و دولت
مستقل نخواهد شد مگر بهمرایى با ملة احتیاج دولت
بملة به مراتب بیش از احتیاج ملة است بدولت زیرا که
تشکیل دولت و قوفی بیودن ملة است و بدون ملة هرگز
دولة وجود خارجی نخواهد یافت از این مقدمات معلوم
شد که فریضة ذمه وطن پرستان و ترقی خواهانست که
دستکاه مملکترا یکمرتبه برآه اندازند و چرخ دولت و ملترا
با هم بحركة آورند و هر چند روز بیک نقطه توجه نکنند
و قید که این دو چرخ اصلی که عبارت است از وکلا و وزرا
هر دو با هم برآه افتادند و از وظیفه خود کز تاهمی نکردند
سایر آلات و چرخها بالتبع بکار می افتند و اندک زمانی
کار خانه ترقی دایر خواهد شد بد بختی ما اینجاست که
هیچ کدام از طبقات بوظیفه خود اقدام نمی کنند نه
دولتبان نه ملتبان نه وزرا نه وکلا نه اصناف نه افراد تمام
منتظر این هستیم که از عالم لاهوت یکقومی بیایند و برای
ما کار کنند و امور ما را اصلاح نمایند یا یکی از همسایگان
باسم قیومیة بیاید خانه ما را ضبط کرده و ما را فله
و اجیر خود قرار دهد بدتر از همه آنکه با این وقت
تنگ و فرصت کم و کار بسیار عمر خود را تلف کرده
می نشینیم و آزموده خود را دو باره امتحان می کنیم
مثلا بعد از دیدن انواع مظالم و تعدیات از فروختن دختر
و سایر خیانات شر حاکمرا از سر مسلمانان يك ناجیه رفع
کرده و او را عزل می کنیم دو ماه وقت خود را صرف
او کرده و از ظلم و خجانش هر روز گریه و شکایت میکنیم
پس از آنکه در محکمه تقصیرش ثابت می شود و يك ملتى
اجماع می کنند از برای مجازات و سیاست او اغماض کرده
بمسامحه می گذرانیم آنکه بعد از چندی رنگین ترش کرده

بانه
قران ۴
قران ۴۵
۱۰ منات
۳۰ فرانک
دینار
همی است
ری
ت
س درد بیچار
ها محروم
ت امراض
کافیست در ما
اد اخلاق
ترو فلاکت
میکویم سر
قع خطرناک
بگردن این
ت همراهی
بیس وجود
در کف با
ان چندان
مختص همه
بضه اقتدار
بجانب ملک
میکویم اگر
اه شود و
صورتی یافته
انجمنها را
اصناف ملة
کد که باید
طبقه بدون
شوند در
ند و اگر
جه متصوره
راهی ملة را

همسایه و منع نفوذ بیگانه و همه چیزمان بسته بدوست
تشکیل می دادیم و می دانستیم که جز در سایه قوای نظامی
هیچ چیز ما بجا نخواهد ماند عجب در اینجاست که
می دانیم و می گوئیم تا مآله قوای خود را مهیا ننمایند همه
روز دچار بلیت خواهیم بود بظرفه از سروا می کنیم
(باقی دارد)

« خلاصه مذاکرات دارالشوری یکشنبه ۲۰ محرم ۱۰۰۰ »
امروز بواسطه مذاکرات خصوصی که در هفته قبل
قرار شده و بواسطه باره از مطالب مهمه مجلس سری بود
(مکتوب خراسان)

در بدو تاسیس مجلس مقدس شورای ملی شیدانه ارکانه
که اغلب ایالات و ولایات ایران در تقویت این اساس مقدس
بامآله طهران هم آواز بودند اهالی خطه خراسان بعله اینکه
در تحت فشار استبداد و چنگال ظلم مقهور بودند در نیل
باین مقصد چند مرحله از دیگران عقب مانده و مادامیکه
اصف الدوله در مشهد تشریف داشتند نتوانستند
اسمی از مشروطیه ببرند و در این مشروع مقدس تقدیم
خدمتی نمایند و از این رو تا چندی موضوع بحث و مورد
طعن و سرزنش جراید داخله و خارجه واقع شده بودند حتی
جناب مستطاب میرزایحی خان سرخوش در آن قصیده
غرائی که بروائی آب زلال و مزیت سحر هلال در تبریک
انتقاد مجلس مقدس سروده و زینت افزای اوراق سال نهم
جریده تربیت شده بود می فرمایند

(در خراسان ظاهراً نوری از این کوکب نفاقت)

(کرچه دوخك خراسان نور خوراسان رسيد)
لازم دانست که شمه از احساسات وطن پرستانه و هیجان
غیرت مندانه که در موقع بروز این انقلاب اخیر از اهالی
خراسان بمنصه ظهور رسیده بوسیله جریده مقدسه عرض کنم
که برعموم ایرانیان مصداق شعر آخری آن فاضل یگانه که در
مقطع قصیده می فرماید

(عنقریب از آن عزیزان آنچه باید بی درینج)

(میرسد کرانگی تاخیر از ایشان رسيد)
ظاهر گردد و بدانند که ذائقه مردم این سامان هم طعم عدل
و مساوات را چشیده و بوسف عزیز آزادی را بچمان و دل
خریدار هستند پس از آنکه قصه خروج شیخ الاشرار و
تقاضای قانون اساسی گوشزد اهالی خراسان گردید هیجان
غریبی که نمونه روز رستخیزش میتوان گفت در خلق ظاهر
و وجوه طبقات از علماً و اعیان و کسبه و تجار بدون استثناً
دست از شغل و کار کشیده متجاوز از ده روز تعطیل عمومی
نموده در انجمن ایالتی که در مرکز شهر واقع است، مجتمع
شده و به تمام قوی برای حفظ استقلال ملی و آزادی مشروع
خود حاضر گشته راحت و آسایش را بر خود حرام کرده

اتصالاً خطابهای مهیجانه و نطقهای غیرت مندانه می نمودند
و بندای بلند فریاد می کردند که در راه استقرار قانون اساسی
و استقلال مجلس شورای ملی که مرکز امیدواری و مسایه
جسوات سی کرور ایرانی است تاجان در بدن و
روان در تن داریم می کوشیم و در نیل باین
مشروع مقدس از ائتلاف نفوس اسپری ناموس باک نداریم
(باجان رسد بجانان باجان زتن برابد) پس است اتمه ظلم
و سخی ها که در دوره استبداد دیدیم کافی است آن بارها
که سالبان دراز خود مان و آبه کرام مان بدوش کشیدیم
هیات هیات که دیگر باین حرفها بخواب رویم و بدعوت
این دجال صفقان که باسم شریعه تیشه بر ریشه اسلام میزنند
دوباره تن زیر بار ظلم و استبداد دهیم و شاکردان
مدارس دسته دسته بایرق های الوان و یکحال رقت انگیزی
کرد انجمن می کشند و بزبان حال می سرودند

(آتش سودای قانون شعله ور در جان ما است)

(و این تمنا بین که دایم در دل ویران ما است)

تمام انجمن های ملی مرکز اجتماع خود را قریب بانجمن
ایالتی قرار داده و هر کدام بقدر قوه مساعی جلیه مبذول
داشته مخصوصاً انجمن مجاهدین و انجمن اثنا عشریه هر یک
بادویست سیصد نفر اعضا مکمل و مصلح شب و روز برای حفظ
نظم و امانیه و امتصال اوامر انجمن ایالتی حاضر بودند خلاصه
از طرف مآله تمام شعبات ادارات دولتی را از بستخانه و
تلکرافخانه و کمرک و تذکره ضبط و توقیف نموده و قورخانه
و توپخانه و ذخیره را بصرف در آورده و گله آخری را
باشد وضوح بمرکز و بلاد داخله حتی بحجج اسلامیه عتبات
عالیات تلکرافاً اعلام نموده و مستقیماً باخود دولتیه مخبرات
سخت کردند بانهایت حزم و احتیاط و نجابت و رعایت
نظم و امانیه چنان جنبش غیورانه نمودند که موجب حیرت
نمایندگان دول مجاور و اتباع خارجه گردید

از حق نمیتوان گذشت برادران غیور آذربایجانی هم با کمال
جلالت و شهادت دوش بدوش با اهالی خراسان همراه بوده
هر قدر نمایندگان استبداد به تحریک و وسائل محرمانه خواستند
باسم ترک و فارس طرفین را بهم بیندازند و حسن خدمتی
بمخرج بدهند برعکس باتحاد و اتفاق طرفین افزود آری
(چنین کنند دلبران چه کرد باید کار)

تلکراف از عراق — به طهران

حضور مبارک مدیر محترم جریده فریده حبل المتین
یومیه دامت افاضانه در روز هفتم محرم توکر های حاجی
میرزا محمود پسر مرحوم حاجی آقا حسن بدون سبب بانفک
و اسلحه در محله ها و خانهای مسلمانان ریخته یکنفر
مقتول و چند نفر را تیر زده اند دو سه نفر از آنها هم
مشرف بموت و تلف میشوند فعلاً چهار روز است عموماً

تقاضای عهد در دست دارد تمام دول امضا کنندگان عهدنامه اظهار نموده و خواستار رفع ظلم شود

چون دولت ایران با وجود اصرار دولت عثمانی در ابقای ارفع الدوله تا هنگام ختم گفتگوی سرحدی اصرار در عزل مشارالیه و نصب علاء السلطنه داشته لهذا با اعلیٰ نیز عزم جزم نموده که سفیر کبیر خویش را از طهران احضار نموده و عجاله شارژدافری در آنجا بگذارد تا اینکه شاید دولت ایران نیز معارضه بمنال نموده و فقط بیرون شارژدافردر اسلامبول اکتفا نمایند

از لندن امروز مباحثه محضات و معایب عهدنامه و اظهارات لرد کارزون تجدید شده لانس دن وزیر خارجه سابق اظهار نمود که عقد معاهده بین دو دولت عظیمه غرب زمین را تبریک میگویم زیرا که بدینوا سطره هر دو دولت در پیشرفت ترقی و تمدن مساعدت و موافقت مینمایند خاصه بانکه برما زبان چندانی وارد نیامده و حق زیادی از دست نداده ایم بعضی دیگر از لردها این بیانات لرد معزی الیه را تصدیق نمودند و اظهار امید کردند که این معاهده از بالاترین وسایل دوام و بقای صلح در عالم گردد مجددا بیان نمود اینست که کویا محقق است که دولت روس بنابر این مقام قوی و نفوذ عظیم در سمت شمال ایران در منطقه بیطرف رقابت و اهتماماتی خواهد نمود که مقرون بامنفعه ما نخواهد بود چنانچه من پیش بینی می نمایم که بالاخره حدود واقعی منطقه نفوذ دولت روس تا خطوط و نقاطی که فعلا حدود نفوذ انگلیس تعیین شده تمتد گردیده و منطقه عمومی را شامل خواهد شد در مسئله خلیج فارس مرا عقیده بر آنست که درج قرار داد مشروع مفصل راجع بخلیج در عهدنامه غیر ممکن بوده و لکن ممکن است که دولت روس بوسیله قرار داد و تعهد مشخص معینی حدود و نفوذ و حقوق خویش را در انظار کاملاً واضح و روشن نماید بالاخره من مقررم بر اینکه معاهده حاوی بعضی شرایط و اصول است که نهایت اهمیت فایده را دارد لکن از طرف دیگر بعضی نکات دیگر در آن می باشد برضد منافع و مصالح ما می باشد لکن تمام این مطالب بستگی خواهند داشت باینکه دولت روس بچه نحو اصول عهد نامه را تفسیر و تفسیر نماید کان من انست که در عهدنامه رفته عقد این معاهده دلالت دارد بر تفسیرات اساسی بلیتیک و رویه دولت روس در آسیا مرا اعتماد بر آنست که دولت روس با نهایت وفا حفظ و مراعات این عهد نامه را خواهد نمود امید آنکه این معاهده سبب بقا و دوام نعمه صلح بین دول عالم گردد

(حسن الحسینی الکاشانی)

دست از عزا داری خامس آل عبا علیه السلام کشیده تمام مساجد و تکایا بسته و در تلکرافخانه مبارکه متحصن و توقیف تمام امنای دولت و ملة تغلم نموده ایم معلوم نیست دادرسی فرمایند آخر ما مسلمانیم چه حلال را حرام کرده ایم که باید از ترس شلیک هیچده زن سقط جنین نمایند و چه حرامی را حلال نموده ایم که باید جوانان مان کشته و آغشته بخون شوند حجت مسلمانی چه شده و غیرت اسلامیت کجا رفته و اغوثا و دینا و امحدا و اسلاما مسلمانان از دست رفتند و کسی فریاد رس نیست شمارا بامام عصر عجل الله فرجه و ناموس اسلام صدیقه طاهره قسم میدهیم که عین تلکراف را برای رضای خدا و برادری و نوع پروری در روز نامه مقدسه درج فرمائید که اقلا برادران دینی ما از حاملان اکاه شوند عموم اهالی عراق محمد جعفر . محمد یحیی الحسینی حسین الحسینی ، مصطفی ، محمد اسمعیل ، علی ، حسین . عباس

(ترجمه تلکرافات خارجه)

از لندن فرماده قشون عثمانی و سرحد ایران تلکرافاً واپرت میدهد که تصرف سا و جیلاغ بمله این بود که اهالی سنی مذهب تضرع و شکایت فوق العاده از یرحمی و شرارت اگر اد متمرده ایران مینمودند مع هذا امر سلطانی بفاضل بانا صادر شده که فوراً قشون خویش را از خاک ایران خارج کرده و در خاک خود عثمانی زیت نماید

از لندن امر امیرا طوری در بطرزبورغ صادر شده که سفیر کبیر روس مامور در بار اطریش فوراً از وینه به بطرزبورغ حرکت نماید اینست که بملاحظه و نجش دولت روس از اظهار وزیر خارجه اطریش دو خصوص اتصال خطوط راه آهن اطریش و عثمانی و یونان بسایون اهمیت کلی میدهند

روزنامهجات فرانسه راپرتها تحصیل نموده اند که سلطان عبد العزیز و مولا حفیظ از اجحافات فرانسه بدوله آلمان ملتجی شده اند و ظاهراً از مکاتبه که بدوله آلمان شده این مطلب بخوبی واضح میشود که هر دو سلطان هر یک بجهت مطلبی مدافعانه دولت آلمان را در خواست نموده اند

سلطان عبد العزیز باین عنوان که تخطی و ناختم و تاز قشون فرانسه در مراکش برخلاف عهد نامه است که در الجزیره اش منعقد شده

و مولا حفیظ دخل و تصرف فرانسه را در منازعه دو برادر بجهت سلطنته خلاف حق دانسته و باین لحاظ بدوله آلمان متظلم شده

دوله آلمان در جواب دو سلطان چنین مرقوم داشته که بافراده در اینست که نمی توانم مداخله و تصرف نمایم لکن اختیار بدوله مرا کبی است که اگر دلیلی در شکایت و ثبوت